

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۶

مصادف با: ۱۸ شعبان ۱۴۳۸

جلسه: ۵۹

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد

موضوع جزئی: ادله عدم جواز آمین بعد از سوره

بررسی قصد انشاء در سوره حمد

﴿ اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِيْنَ وَاللّٰعْنَ عَلَى اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِيْنَ ﴾

**ادله عدم جواز آمین بعد از سوره**

**دلیل اول: اجماع**

در مورد تامین، یعنی آمین گفتن بعد از سوره حمد در نماز عرض کردیم تقریباً اجماعی است که این جایز نیست، یعنی در بین علماء شیعه هم متقدمین و هم متاخرین قائل به عدم جواز هستند، اما در بین علماء اهل سنت از بین مذاهب چهارگانه تنها مذهب مالکی معتقد است که تامین مستحب است، ولی سه مذهب دیگر (حنبل، و حنفی و شافعی‌ها) قائل به وجوب تامین هستند، قدر مشترک بین مذاهب اربعه اهل سنت، جواز و مطلوبیت آمین بعد از سوره حمد است، این درست مقابل نظر فقهای شیعه است که تقریباً همگی قائل به عدم جواز هستند، فی الجمله، چون یک تفکیکی بین صورتی که این به عنوان جزء الصلاة اتیان شود یا به قصد دعا بعضاً داده شده است، آنچه که در این مجال مختصر می‌توانیم در این باره بگوییم غیر از این شهرت عظیمه که «کاد آن یکون اجماعاً» دو مطلب دیگر است.

**دلیل دوم: توقیفی بودن عبادات**

یکی اینکه بطور کلی عبادات توقیفی هستند، معنای توقیفی بودن عبادت این است که ما صرفاً عبادت را به همان گونه‌ای که در شریعت وارد شده است می‌توانیم انجام دهیم، یعنی شکل عبادت و نحوه و کیفیت عمل عبادی، تابع و مطابق بیان آن در شریعت است، حال یا در کلام و گفتار و عمل رسول خدا که به عنوان سنت است وارد شده باشد، یا در خود قرآن، لازمه توقیفی بودن عبادت این است که ما به هیچ وجه نمی‌توانیم در هیچ جزء و شرط عبادات تغییر ایجاد کنیم، نه می‌توانیم چیزی را کم کنیم و نه می‌توانیم چیزی بر آن بیفزاییم، بر این اساس و بر مبنای این کبرای کلی باید ببینیم آمین در نماز رسول خدا وارد شده است یا خیر؟

ما در گزارشات و منابع معتبری که مبین سنت رسول خدا هستند چنین چیزی را نداریم، در زمان خود رسول خدا اینگونه نبوده، و خود رسول خدا این عمل را انجام نمی‌داده و بعداً این اضافه شده است، اگر این صغری را بپذیریم که ظاهراً قطعی می‌باشد، دیگر وجهی برای جواز تامین باقی نمی‌ماند، البته آنهایی که قائل به جواز هستند قهراً در صغری با ما اختلاف نظر دارند، آنها به نوعی این را در دایره آن مواردی می‌دانند که به نوعی بیان شده است، لذا منافاتی بین تامین و توقیفی بودن عبادت نمی‌دانند ولی این محل اشکال است.

علی ای حال یک دلیل محکم برای عدم جواز تأمین این است که نماز یک عبادت است و ما مکلف هستیم از اولین جزء تا آخرین جزء و شرط را رعایت کنیم، و این مسئله به عنوان شرط یا جزء نماز ذکر نشده است و به تصریح همه فقها، انسان نمی‌تواند کلامی از خودش را در هیچ بخشی از نماز اضافه کند، اینکه چیزی را به عنوان جزء الصلاة کنار سایر اجزاء بیاورد آن هم بدون اینکه مجوزی داشته باشد، از مواردی است که کلام آدمی وارد نماز شده است و این قطعاً مبطل نماز است.

#### دلیل سوم: روایات

اما به غیر از این روایاتی هم داریم که در جوامع روایی شیعه نقل شده است و بر اساس آن روایات آمین گفتن جایز نیست، روایات متعددی است از جمله این روایت:

حلبی می‌گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم که آیا بعد از پایان سوره حمد می‌توانم آمین بگویم، حضرت فرمودند: لا، (عن محمد بن سنان عن ابن مسکان عن محمد الحلبي، قال سألت ابي عبدالله (ع) أقول اذا فرغت من فاتحة الكتاب آمين، قال: لا)؛ لذا از نظر شیعه به استناد روایات متقن و محکم این جایز نیست، در بعضی روایات آمده است که بعد از فراغ از سوره حمد، الحمد لله رب العالمین بگوئیم که البته این حمل بر استحباب می‌شود، (حدثنا محمد بن علی ماجیلویه قال حدثنا علی بن ابراهیم عن ابيه عن حماد عن حریز عن زراره عن ابي جعفر: ولا تقولن اذا فرغت من قرائتك آمین، فان شئت قلت الحمد لله رب العالمین)؛<sup>۱</sup> این صریحاً نهی کرده است از گفتن آمین بعد از سوره حمد، منتهی فرموده است، (إن شئت قلت الحمد لله رب العالمین).

#### بررسی نظر اهل سنت

اهل سنت دو گروه هستند در این جهت، مالکی‌ها قائل به استحباب هستند اما سه مذهب دیگر قائل به وجوب هستند، روایات اهل سنت در این رابطه بخشی مستند به ابوهریره است، و بخشی را از غیر طریق ابوهریره نقل کرده‌اند، آن روایاتی که مستند به ابوهریره است ضعف آن مشخص است، چون ابوهریره در نقل حدیث ضعف آشکاری داشته است و به احادیث او بخاطر جهات متعددی که درباره او نقل شده است نمی‌توان اعتماد کرد، اما در مورد روایاتی که غیر ابوهریره در این رابطه نقل کرده‌اند عمدتاً در سنن ابن ماجه و سنن ابی داوود و سنن ترمذی نقل شده است، این روایات هم سنداً و هم متناً مخدوش هستند، از نظر سند اشکالاتی در مورد سلسله راویان وجود دارد و از نظر متنی هم اضطراب دارد، حال این بر می‌گردد به بررسی این روایات و البته نظر آنها در مورد روایات غیر از نظر ما می‌باشد.

#### نتیجه

به هر حال از نظر فقهای شیعه به استناد روایاتی که هم سنداً و هم دلالتهاً قابل اتکا هستند و با توجه به توقیفی بودن عبادت و اینکه صلاة عبادتی است که همه اجزاء و شرایط آن متوقف بر بیان از ناحیه پیامبر و آل او می‌باشد و چنین

<sup>۱</sup> . تهذیب، ج ۲، ص ۷۴، ۴/ وسائل، باب عدم جواز تأمین فی آخر الحمد.

<sup>۲</sup> . علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۵۸/ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۶۴.

چیزی در مورد صلاة وارد نشده است می‌توانیم نتیجه بگیریم که آمین جایز نیست و همان‌طور که علمای عظام فتوی داده‌اند، اگر کسی آن را به عنوان جزئی از نماز اتیان کند، در حقیقت «ادخال ما لیس فی الدین، فی الدین» است و تشریح محرم و بدعت است و لذا موجب بطلان نماز است.

### بررسی قصد انشاء در سوره حمد

مطلب دیگری که در ذیل این بحث مطرح می‌شود این است که اگر اجزاء و آیات سوره حمد را ما بخواهیم در نماز به قصد انشاء بگوییم مخصوصاً بعضی از فرازهای آن را مثل (اهدنا الصراط المستقیم) آیا این جایز است یا خیر؟ آیات سوره حمد تارةً به عنوان قرائت و تلاوت قرآن خوانده می‌شود، یعنی آن جهت اولی و اصلی در قرائت سوره حمد در نماز قصد قرآنیت است، به این معنا که سوره حمد را به قصد قرآنیت تلاوت کند، که اینها کلام خداست که بر پیامبر نازل شده است، و جزء نماز است. اما یک وقت ممکن است این را به قصد انشاء بخواند، منظور از قصد انشاء یعنی این که وقتی می‌گوید «الحمد لله رب العالمین» و «ایک نعبد و ایک نستعین» و «اهدنا الصراط المستقیم»، می‌خواهد با این الفاظ این معانی را ایجاد کند و کأن بنا را بر این بگذارد که خارجاً بر طبق اینها عمل کند یعنی وقتی می‌گوید، «ایک نعبد و ایک نستعین» صرف نظر از قصد قرآنیت و اینکه این یک کلامی است که بر قلب پیامبر نازل شده است و در نماز باید قرائت شود. ولی یک وقت این را می‌گوید به این قصد که واقعاً بنا را بر این بگذارد که فقط خدا را پرستد، وقتی می‌گوید، «ایک نعبد و ایک نستعین» یعنی کأن من فقط تو را می‌خواهم پرستم و می‌پرستم و از تو استعانت می‌جویم، یعنی بنا را بر این می‌گذارد که خارجاً این‌گونه باشد، صرف نظر از آن جهت قرآنیت قصد انشاء کند، آیا قصد انشاء به این الفاظ علاوه بر قصد قرآنیت جایز است یا خیر؟

بعضی از مفسرین گفته‌اند جایز نیست، اگر کسی سوره حمد را به قصد انشاء تلاوت کند و بخواند این جایز نمی‌باشد چون مستلزم استعمال لفظ در اکثر من معناً واحد، است و هو لا یجوز، استعمال لفظ در بیش از دو معنا معقول نیست، وقتی می‌گوید: «ایک نعبد و ایک نستعین» هم قصد می‌کند این را به عنوان اینکه این نزل من ناحیه الله تبارک و تعالی و به عنوان اینکه این قول الله عزوجل است، و هم قصد می‌کند معانی و مفاهیم این جمله را ایجاد کند و بنا بر عمل به آن در خارج بگذارد، لذا این دو معنا می‌شود و استعمال لفظ در اکثر از یک معنا جایز نیست.

ما قبلاً پاسخ دادیم اصل این مبنا محل بحث است، اینکه ادعا می‌شود استعمال لفظ در اکثر از معنا ممتنع است خودش محل بحث است، ما در مباحث اصول عرض کردیم حق در این مسئله همان است که برخی از اعظام از جمله امام (ره) فرمودند، که استعمال لفظ در اکثر از معنا ممتنع نیست. اینکه می‌گویند محال است از لفظ دو معنا قصد شود، این به تفصیل پاسخ آن داده شده است، لذا اصل این مبنا محل بحث است.

ثانیاً: بر فرض ما استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد را ممتنع بدانیم، آیا واقعاً این مسئله در ما نحن فیه قابل تطبیق است یا خیر، استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد مربوط به آنجایی است که متکلم، دو معنا را به صورت مستقل اراده و

قصد کند، که هر یک در عرض دیگری باشد، ولی اگر از این دو معنا یکی مقصود بالاصاله باشد و دیگری مقصود بالتبع، اشکالی ندارد، یعنی مثلاً کسی می‌گوید «اهدنا الصراط المستقیم» در اینجا در واقع این جمله را به قصد قرآنیت می‌گوید، بعد به تبع این به معنای آن توجه می‌کند و در واقع به دنبال این است که از خداوند بخواهد او را به صراط مستقیم هدایت کند و بنای عملی او هم بر این است که این چنین شود و بر طبق آن عمل کند، این چه مانعی دارد که یکی مقصود بالاصاله باشد و دیگری بالتبع، قصد قرآنیت استقلالی باشد، قصد انشائیت تبعی باشد، آنچه از ما خواستند در نماز بخوانیم، سورة الحمد است، که یک سوره‌ای از سوره‌های قرآن است، این سوره بما أنه من سور القرآن، قرائتش از ما خواسته شده است، پس تردیدی در این نیست که در نماز باید قصد قرآنیت شود، یعنی وقتی این را می‌خواند، نه بعنوان اینکه چند جمله‌ای را می‌خواند خارج از اینکه این در کلام خدا آمده است، نه، این را به قصد قرآنیت باید در نماز بخواند، و از آنجا هم که قوام نماز به فاتحة الكتاب است، «ولا صلاة إلا بفاتحة الكتاب» اقتضاء می‌کند که این حتماً باید باشد، حال اگر کسی در نماز فاتحة الكتاب و این هفت آیه را بخواند ولی قصد قرآنیت نداشته باشد، نمازش اشکال پیدا می‌کند، آنچه در اینجا بحث است این است که علاوه بر قصد قرآنیت آیا قصد انشاء هم می‌تواند کند یا خیر، و إلا قدر متیقن از این مسئله قصد قرآنیت باید باشد اگر قصد قرآنیت نباشد به مسئله خلل وارد می‌کند، منتهی بحث در این است که «زائداً عن قصد القرآنیة» آیا قصد انشاء هم جایز است یا خیر، که ملاحظه فرمود قصد انشاء «یجوز»، نه «یجب»، جایز است قصد انشاء کند نه اینکه واجب باشد و آنچه واجب است قصد قرآنیت است، یعنی این را به عنوان اینکه آیه قرآن است تلاوت کند.

«والحمد لله رب العالمین»